



Farhangian University

Adapting Fukuyama's Perspective on Identity and Dignity to the Foundations of Islamic Education

Rahim Amraie^{1*}, Leila Abdi²

1. Corresponding author, Assistant Professor of Islamic education and training.shahid sadooghi faculty. Farhangian university. Kermanshah. Iran. E-mail: r.amraie@cfu.ac.ir
2. senior student of Quranic sciences, university of Quranic sciences, Kermanshah faculty

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received: 2024/05/28
Reviewed: 2024/07/10
Accepted: 2024/08/04
Published Online:
2024/08/04
Pages: 165-175

Keywords:
Islamic principles,
Fukuyama,
Liberal democracy,
Dignity,
Identity

Background and Objectives: The adverse effects of human materialism in the modern era and the neglect of the soul by man in the era of modernity have emerged in human societies. On the one hand, due to living in a structure that does not conform to human nature and neglecting the essence of existence, the materialistic man has suffered psychological disintegration, and in the postmodern era, some western thinkers also want to recognize their identity and seek respect from the government and society. Such a request from the thinkers of a society will have an effect on cultural, political and social thought and relations. This issue has attracted the attention of western thinkers including Fukuyama. He considers the desire for dignity to be the effective driver of many events and tries to provide solutions to ensure the dignity of people in societies. The main goal of the research is to criticize Fukuyama's thought about identity and dignity, based on the foundations of Islamic education. **Methods:** In this article, with the comparative-typology method, Fukuyama's opinions are first presented and then it is examined with the basics of Islamic education. **Findings:** The result is that, from Fukuyama's perspective, human identity and dignity are so important that they are quite effective even in the process of major transformations of societies and neglecting them leads to undesirable social effects. His proposal to restore human identity and dignity is to expand democratic institutions and Adherence to the principles of liberalism. From the point of view of Islamic teachings, the identity and dignity of man has a high place, but the way to achieve it is through the revelation teachings and Islamic educational foundations, such as: theology, belief in God, anthropology, paying attention to the spiritual dimension. Human existence is the use of reason and useful knowledge in the direction of identity improvement. **Conclusion:** A person who has developed in the educational school of Islam is a noble person with an integrated identity who can play an effective role in the improvement of his society.

Cite this Article: Amraie, R., & Abdi, L. (2024). Adapting Fukuyama's Perspective on Identity and Dignity to the Foundations of Islamic Education. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 10(Special Issue), 165-175. <https://doi.org/10.48310/itt.2024.16295.930>



© the authors
Publisher: Farhangian University





تطبیق دیدگاه هویت و کرامت فوکویاما با مبانی تربیت اسلامی

رحیم امرایی^{۱*}، لیلا عبدی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، ایران. رایانامه: r.amraie@cfu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

شماره صفحات: ۱۶۵-۱۷۵

پیشینه و اهداف: اثرات نامطلوب مادی‌نگری انسان در دوران مدرن و نادیده‌گرفتن روح از جانب انسان در دوران مدرنیته در جوامع بشری پدیدار شده است. از سویی به دلیل زیست در ساختار غیر منطبق بر فطرت بشری و تغافل از گوهر وجودی، انسان مادی‌گرا دچار ازم‌گ‌سیختگی روانی شده است و در دوران پسامدرن برخی اندیشمندان غربی نیز خواهان بازشناسایی هویت و نیز طالب تکریم از سوی حاکمیت و جامعه هستند. چنین خواسته‌ای از سوی متفکران یک جامعه، بر اندیشه و مناسبات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مؤثر خواهد بود. این مسئله، مورد توجه اندیشمندان از غرب از جمله فوکویاما، قرار گرفته است. وی کرامت‌خواهی را پیشران مؤثر بسیاری از رخدادها می‌داند و در صدد است راه‌کارهایی را برای تأمین کرامت افراد در جوامع ارائه دهد. هدف اصلی پژوهش، نقد و بررسی اندیشه فوکویاما در باب هویت و کرامت، بر اساس مبانی تعلیم و تربیت اسلامی است. **روش‌ها:** در این مقاله، با روش تطبیقی - گونه‌شناسی، ابتدا نظرات فوکویاما مطرح شده و سپس با مبانی تربیت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. **یافته‌ها:** حاصل آن که از منظر فوکویاما، هویت و کرامت انسان تا حدی اهمیت دارد که حتی در روند تحولات بزرگ جوامع کاملاً مؤثر بوده و بی‌توجهی به آن آثار نامطلوب اجتماعی در پی دارد. پیشنهاد وی برای بازیابی هویت و کرامت بشری، گسترش نهادهای دموکراتیک و پایبندی به اصول لیبرالیسم است. از منظر تعلیم اسلامی نیز هویت و کرامت انسان، جایگاه والایی دارد؛ اما راه دستیابی به آن، از طریق آموزه‌های وحیانی و مبانی تربیتی اسلامی، مانند خداشناسی، معادباوری، انسان‌شناسی، توجه به بعد معنوی وجود انسان، بهره‌گیری از عقل و علم نافع در جهت تعالی هویتی است. **نتیجه‌گیری:** انسان رشدیافته در مکتب تربیتی اسلام، انسانی کریم و دارای هویت یکپارچه است که می‌تواند در راستای اعتلای جامعه خویش نیز نقش مؤثری داشته باشد.

واژه‌های کلیدی:

مبانی اسلامی،

فوکویاما،

لیبرال دموکراسی،

کرامت،

هویت

Homepage: <https://itt.cfu.ac.ir/>

استناد به این مقاله: امرایی، رحیم، و عبدی، لیلا. (۱۴۰۳). تطبیق دیدگاه هویت و کرامت فوکویاما با مبانی تربیت اسلامی. نظریه و عمل در تربیت معلمان، ۱۰ (ویژه نامه)، ۱۶۵-۱۷۵. <https://doi.org/10.48310/itt.2024.16295.930>



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



مقدمه

درک هویت خویشتن و نیز احساس تعلق به هویت‌های جمعی، از نیازهای اساسی بشر است که بسیاری از اندیشمندان همچون فوکویاما به آن پرداخته‌اند؛ اما امروزه، افزایش آزادی‌های فردی به سبک غربی، به درک هویت، آسیب رسانده و احساس پوچی و ازخودبیگانگی و بحران هویت را در پی داشته است (Schultz & Schultz, 2020). با اینکه توجه به تفاوت‌های فردی انسان‌ها مهم است و ویژگی‌های منحصر به فرد افراد باید در جامعه مورد توجه باشند و افرادی همچون چارلز تیلور به این مهم توجه داده‌اند (Hadavi, 2007)؛ لکن پرداختن بدون چارچوب به خواست‌های فردی متنوع و بدون حدودمرز، نباید تهدیدی برای هویت و کرامت بشری باشد.

انسان در دوران تجدد و پسا تجدد، خواهان بازیابی هویت و به تبع آن به رسمیت شناخته شدن و تکریم وجود انسانی خویش است. این خواسته، به تدریج در جوامع فراگیر شده و می‌تواند بر امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و نهایتاً بر تصمیمات اجرایی دولت‌ها و کارایی نظام‌های سیاسی مؤثر باشد. مسئله‌ی تأثیر هویت و کرامت بر سیاست، در سال‌های اخیر بیش از پیش، مورد توجه قرار گرفته است. فوکویاما، از متفکرانی است که نظرات خویش را در این باب مطرح نموده است و اهمیت پرداختن به نگاه او و به خصوص نظر اخیر او از جهت جایگاه او در غرب است؛ چه اینکه این مطالب با نگاه پایان تاریخ او نمی‌خواند و دارای اشکالات متعدّد است. او که پیشتر با نظریه جنجالی (پایان تاریخ)، شناخته می‌شود؛ اخیراً، با نوعی نقد درون گفتمانی، در صد ارائه راهکار برای بحران هویت در جوامع لیبرال دموکرات است. نظر اخیر او در باب کرامت و هویت را در این مقاله بررسی خواهیم کرد.

در مقابل نگاه لیبرالیستی به هویت و کرامت انسانی، رویکرد اسلامی به جایگاه انسان وجود دارد. در این رویکرد، انسان، به دلیل برخورداری از برتری‌هایی که نسبت به سایر موجودات دارد؛ فی‌نفسه، شایسته تکریم است.

پیشینه پژوهش

نظرات فوکویاما، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است. در ادامه به برخی از پژوهش‌های مرتبط با نظرات فوکویاما اشاره خواهد شد. ریاحی نوری و سلامی، در مقاله «از نظریه پایان تاریخ فوکویاما تا پیدایش نارویداد بودریار»، دو الگوی مؤثر از مفهوم پایان یعنی نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما و نظریه پایان در پیدایش نارویداد ژان بودریار می‌پردازد (Riahi Nouri & Salami, 2020). کرمانی نسب، در مقاله «دکترین پایان تاریخ در اندیشه نظام سلطه و مکتب اسلام ناب»، نظرات مک لوهان، هانتینگتون و فوکویاما را با نگاهی انتقادی بررسی و حقانیت حکومت توحیدی اسلام را اثبات نموده است (Kermani Nasab, 2019).

مهاجر شیخی و دبیری مهر، در پژوهشی با عنوان «بررسی آراء انتقادی به نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما»، نقدهایی مانند خطای محاسباتی فوکویاما، سرمستی از فروپاشی کمونیسم، دیدگاه ماتریالیستی و نادیده گرفتن سایر ایدئولوژی‌ها مانند سوسیال دموکراسی را به نظریه پایان تاریخ وارد می‌دانند (Mohajer Sheikhi & Dabiri, 2018).

متوسلی، طیب‌نیا و حسنی، در مقاله «سرمایه اجتماعی از دید رویکرد منفی فوکویاما در ایران»، وضعیت سرمایه اجتماعی ایران در سال‌های ۶۵-۸۳ را از رویکرد منفی فوکویاما مورد بررسی قرار دادند. (Motevasel Tayebnia & Hasani, 2011).

پژوهش‌های مذکور، با نظریه پایان تاریخ و رویکرد منفی فوکویاما مرتبط هستند و پژوهش حاضر، با رویکردی تطبیقی به دیدگاه فوکویاما در باب کرامت و هویت می‌پردازد.

لازم به ذکر است که منابع مذکور، به صورت مشخص نظرات اخیر فوکویاما را مبنی بر بحث کرامت و هویت انسانی مدنظر قرار نداده‌اند و نگاه تطبیقی و مقایسه‌ای در زمینه کرامت و هویت انسانی، انجام نشده است.

روش

در حوزه علوم انسانی روش‌های پژوهشی متنوعی وجود دارد که هر یک به فراخور موضوع مورد پژوهش، به کار برده می‌شود. یکی از این روش‌های پرکاربرد، روش پژوهش تطبیقی است. در مطالعات تطبیقی، وجوه تشابه و افتراق مقولات مورد پژوهش، بررسی می‌شود. پژوهش حاضر، پیمایشی تطبیقی بر اساس واکاوی داده‌های گردآوری‌شده از اسناد مکتوب است.

۱- دیدگاه فوکویاما در باب هویت و کرامت

۱-۱- هویت: فوکویاما بر این باور است که تعریف هویت انسان به معنی تمایز بعد درونی و بیرونی بشر و نیز اهمیت بیشتر درون، محصول نمود یافته‌ی دوران مدرن است (Fukuyama, 2018). وی پس از تعریف هویت مدرن، به مشکلات هویتی افراد در جوامع معاصر نیز اشاره دارد. جمله‌ای که او در این باره با وام‌گرفتن از فیلیپ ریف بیان می‌کند، قابل توجه است: «جوامع لیبرال، وارث سرگشتگی اخلاقی ناشی از موافق مذهبی مشترک هستند» (Fukuyama, 2018). این تحیر اخلاقی منجر به بحران هویت عمیق می‌شود. مشکل عدم شفافیتِ حدود مرز خودمختاری فردی و تراجم قواعد و ارزش‌های جامعه با انتخاب‌های شخصی، سبب می‌شود؛ در صورت عدم دستیابی به اصول مشترک، افراد قادر به همکاری مفید نباشند. ابهام در ارزش‌های اخلاقی باعث اختلال هویت و سوق دادن افراد به سمت عضویت در گروه‌هایی با ارزش‌های شفاف و مشخص، مانند گروه‌های مذهبی یا ملی‌گرا خواهد شد (Fukuyama, 2018).

۱-۲- کرامت: سال‌ها پس از نظریه «پایان تاریخ»، فوکویاما در دیدگاه‌های اخیر خود به کاستی‌های لیبرال دموکراسی اذعان کرده است. او به بی‌عدالتی فراگیر آمریکا و انگلیس به‌عنوان پی‌شگامان نئولیبرالیسم اشاره می‌کند. همچنین به رکود بزرگ اقتصادی سال ۲۰۰۸ و بحران فراگیر بازارهای سرمایه که فاجعه عظیمی در آمریکا ایجاد کرد و به کشورهای دیگر نیز تسری یافت و نیز محرومیت و نابرابری در آمریکا به‌عنوان مهد لیبرال دموکراسی، اشاره دارد (Fukuyama, 2018).

وی بر این باور است که با وجود بی‌عدالتی اقتصادی، آنچه سبب خشم ملت‌ها و ایجاد بحران در جوامع می‌شود، خدشه‌دار شدن کرامت انسانی در اثر این بی‌عدالتی است و احساس عدم کرامت را دشوارتر از فقر و محرومیت می‌داند (Fukuyama, 2018). او با مثال‌زدن برخی پدیده‌های اجتماعی و سیاسی، طلب کرامت و کنکاش افراد برای تعلق به هویت جمعی را عامل مهمی در بروز تغییرات جوامع به شمار می‌آورد. فوکویاما برای تشریح نظریه خود، از علوم مختلف و نظرات متفکران متعددی بهره می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین آن مفهوم «تیموس»^۱ در رساله «جمهوری» افلاطون است. اشاره سقراط به این موضوع که روح انسان شامل یک جزء خردگرا و نیز جزئی که به تمایلات گرایش دارد و نیز جزء دیگری است که مستقل از این دو جزء است و در تصمیمات انسان تأثیر مهمی دارد و از آن با واژه «تیموس» یاد می‌کند (Lennerfors, 2015; Castel- Bouchouch, 2014).

تیموس که جزء کرامت‌خواه ماهیت بشر است، به دو شکل برابری طلبانه، به معنای برابری برای همه و برتری طلبانه، به معنای موقعیت برتر برای عده‌ای خاص، نمود می‌یابد (Fukuyama, 2018).

از نظر فوکویاما، کرامت‌خواهی به‌حدی مهم و حیاتی است که آن را بالاتر از منازعات اقتصادی، دلیل عمده وقوع جنبش‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند (Fukuyama, 2018). او با توجه به دو مفهوم برابری طلبی و برتری طلبی به این موضوع اشاره می‌کند که در جوامع مدرن برابری حاصل شده است؛ اما مشکل این است که برخی افراد - مثلاً فردی که جان خود را در راه نفع عمومی به خطر می‌اندازد - شایسته ارزش و احترامی به‌مراتب بیش از سایرین هستند. برابری طلبی، سبب نادیده‌گرفتن این افراد می‌شود (Fukuyama, 2018).

۱-۳ - شواهد مهم در طلب هویت و کرامت در نظر فوکویاما: فوکویاما در تأیید اهمیت هویت سیاسی و طلب کرامت، برخی وقایع مهم سیاسی اجتماعی سال‌های اخیر جهان را به‌عنوان شاهد مثال، ارائه می‌دهد. از نظر وی، علت

1. Thymos

این وقایع، طلب کرامت و تلاش افراد، برای تعلق به هویت جمعی است. «برگزیت، انتخاب ترامپ، خیزش برخی کشورهای عربی، قدرت گرفتن داعش و بحران سوریه، وقایع سال ۲۰۱۴ اوکراین (یورو میدان)»، جنبش‌های: من هم آ، جان سیاه‌پوستان مهم است»^۳، برخی از وقایع موردنظر او در طلب کرامت و دستیابی به هویت جمعی هستند (Fukuyama, 2018).

۱-۴-راه‌کار فوکویاما: بنا بر نظر وی، نظام‌های سیاسی با اعطای امتیازاتی مانند حق رأی به شهروندان، کرامت آنان را به رسمیت شناخته‌اند؛ اما به تدریج گستره این کرامت‌خواهی وسعت یافته و امروزه، افراد خواهان کرامت حقیقی و نیز احساس تعلق به یک هویت جمعی هستند.

از این رو پیشنهاد فوکویاما برای تأمین این خواسته - که عدم تأمین آن، منجر به بحران می‌شود - به دولت‌های اروپایی و آمریکا، این است که همه شهروندان و ساکنان، از جمله: مهاجران و اقلیت‌های نژادی و مذهبی را به پذیرش اصول لیبرال دموکراسی ملزم کنند و نیز در جهت تقویت هویت ملی، در تلاش باشند؛ زیرا هویت ملی، تأثیر بسزایی در حفظ نظام سیاسی مدرن، تأمین اهمیت و جلوگیری از فروپاشی یک کشور، کیفیت حکومت، کمک به پیشرفت اقتصادی و افزایش اعتماد در جامعه دارد. (Fukuyama, 2018).

۲- مبانی معرفتی تعلیم و تربیت اسلامی

۱-۲-خداشناسی: تأمل و بینش صحیح در باب خداوند، هستی و آفرینش، انسان را به این دریافت می‌رساند که او با تمام شرافت بالقوه‌ای که نسبت به سایر مخلوقات دارد؛ در برابر عظمت پروردگار، قدر و منزلتی ندارد. تمام هستی او کاملاً وابسته به عنایت الهی است؛ زیرا خداوند علت تامه است و انسان و سایر موجودات، معلول هستند. بنا بر تبیین ملاصدرا، وجود هر معلولی فانی در علت و عین تعلق است و هیچ معلولی نمی‌تواند هویت ذاتی و مستقل داشته باشد. (Hasanzadeh Amoli, 2017; Mosleh, 2004) به تعبیر قرآنی (فاطر، ۱۵)، همه انسان‌ها نسبت به ذات احدیت در فقر مطلق هستند و فقط خداوند، غنی بالذات است. (Tabatabaei, 1972; Makarem Shirazi et al, 2001)

مهم‌ترین مؤلفه تربیتی در نظام اسلامی، شناخت خداوند و درک حضور پیوسته او در زندگی انسان است. چنین بینشی سبب می‌شود انسان از ارتکاب معاصی دور بماند و رضایت حق را محور زندگانی خویش، قرار دهد. (Farhadian, 2011)

انسانی که نسبت به حق تعالی شناخت داشته باشد؛ در زندگی خویش دچار پوچی و بی‌انگیزگی نمی‌شود و همواره با نگاهی امیدوارانه، به زندگی می‌نگرند و به دلیل این که خداوند را تکیه‌گاه محکمی در مشکلات و سختی‌ها می‌دانند مقهور ناملازمات زندگی نخواهند شد و با توکل و تلاش، درصدد عبور از سختی‌ها بر خواهد آمد. از دیگر آثار خداشناسی، ایجاد و تقویت حس مسئولیت‌پذیری است. فرد خداشناس نسبت به مشکلات سایر افراد بی‌تفاوت نیست و می‌کوشد در حد توان به رفع آن مشکلات و برطرف کردن اندوه دیگران کمک کند. علاوه بر این موارد، مهم‌ترین ثمره خداشناسی، دستیابی به آرامش است. با آگاهی از صفات الهی و مانند رحمانیت و جباربودن (جبران‌کننده) خداوند و یقین به آن‌ها، نگرانی از نقایص و کمبودها در زندگی، محلی از اعراب ندارد (Makarem Shirazi, 2007).

۲-۲- فرجام‌شناسی: حیات انسان در دنیای مادی تنها یک بعد از زندگانی اوست که نه تنها با مرگ پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه به نحوی دیگر ادامه می‌یابد. در رستاخیز، اعمال انسان به دقت محاسبه خواهد شد و او مورد سؤال قرار خواهد گرفت (بقره، ۲۸۴؛ لقمان، ۱۶؛ حجر، ۹۲ و ۹۳؛ نحل، ۹۳؛ غاشیه، ۲۴ و ۲۵؛ انبیا، ۴۷) در آن هنگام شاهدانی هستند که بر اعمال انسان گواهی می‌دهند و کذب و دروغ محلی از اعراب ندارد (یس، ۶۵؛ هود، ۱۱؛ نساء، ۴۱، ق، ۲۱ و ۲۲) و هر کس به هر میزانی که نیکی یا بدی داشته باشد نتیجه‌ی آن را می‌یابد (نحل، ۱۱۱؛ زلزال، ۷ و ۸؛ بقره، ۲۸۱).

1. Euromaidan
2. Me too
3. Black Lives matter

باور به معاد، به زندگی انسان جهت می‌دهد و در تربیت و رشد او مؤثر است. این اصل در قصص قرآنی نیز، مورد توجه بوده است. برای مثال، در سوره بقره با حکایت از ماجرای عزیز پیامبر، حضرت ابراهیم (ع) و پرندگان و حضرت ابراهیم (ع) و نمرود، قطعیت این موضوع را به انسان تذکر می‌دهد (Farvardin, 2004). باور حقیقی به معاد، علاوه بر منع نفس از آلوده شدن به ذایل، آرامش معنوی و روحی را نیز برای انسان در پی دارد.

۲-۳- انسان شناسی: با توجه به پیچیدگی‌های وجود انسان، شناخت حقیقت و بحث درباره ذات و اوصاف او دامنه‌ای گسترده و فراگیر دارد؛ بنابراین در این بخش از پژوهش صرفاً، دو مفهوم مرتبط با دیدگاه فوکویاما مطرح می‌شود.

۱-۲-۳: ارتباط هویت و ماهیت: درک هویت و کیستی انسان، با چیستی و ماهیت انسان، مرتبط است. اگر انسان، به درستی بداند که چیست؛ آنگاه می‌تواند درک کند که کیست یا چه کسی می‌تواند باشد. تعریف هویت به حقیقت یا شخصیتی که سبب تمایز و شامل صفات جوهریه شود (Maalouf, 2000). به روشنی نشان می‌دهد که کیستی فرد تحت تأثیر چیستی و ماهیت وجودی او است. در رویکرد اسلامی، در پاسخ به چیستی انسان گفته می‌شود، انسان موجودی مرکب است و هویت هر موجود مرکبی، صورت آن است نه ماده. حقیقت وجود انسان، همان بعد روحانی و نفس ناطقه وی است که با گذر زمان، با تحمیل تغییرات بر جسم و با تفاوت در ظواهر، مثل نژاد، زبان، جنسیت و غیره، این بعد روحانی تغییر نمی‌کند و اگر جسم دچار تبدل شود؛ عنوان انسان از وی ساقط نخواهد شد و در آخرت نیز تشخیص و هویت آن باقی می‌ماند (Sajjadi, 2000; Sadr al-Din al-Shirazi, 2002).

آیات قرآن نیز به خوبی به این موضوع اشاره کرده‌اند و برای قبض روح، از عبارات (يَتَوَقَّأُكُمْ) (سجده: ۱۱) و (تَتَوَقَّأَهُمْ) (نحل: ۲۸)، استفاده شده است. «توقی»، به معنای دریافت و اخذ کامل یک چیز است به طوری که باقی‌مانده‌ای نداشته باشد (Al-Azhari, 2000; al-Farahidi, 1989; Maalouf, 2000) پس طبق آیات قرآن نیز، «روح قبض شده انسان»، تمام وجود انسان است و گویی جسم می‌بایست مرکبی راهوار برای رسیدن روح به اهداف متعالیه باشد. در هنگام مرگ، روح انسان است که از این جهان منتقل می‌شود و در عبارات قرآنی به جای واژه روح، ضمائر «هم» و «کم» به کار رفته است که برای تمام وجود انسان به هنگام حیات به کار می‌رفت؛ یعنی تمام حقیقت وجودی انسان، همان نفس و روح است که به طور کامل بازستانده می‌شود (Delbari & Araf, 2015).

۲-۳-۲ خود شناسی و هویت: در نگاه دینی، انسان زمانی به حقیقت انسانی خود می‌رسد که بتواند نفس خود را بشناسد و آن را در مسیر حرکت به سمت کمالاتی قرار دهد که استعداد ذاتی رسیدن به آن‌ها را دارد. (Khomeini, 2002). شناخت خود و جهان در نگاه دینی بر این اساس است که خداوند در قالب دین، برنامه‌های رسیدن به مقصد عالی را برای انسان تدوین فرموده است؛ البته همین را هم با قوه عاقله می‌فهمد و بدون به‌کارگیری قوه عاقله، شناخت صحیح هویت شخصی و دین و برنامه‌ی متعالی، ممکن نیست. انسان به وسیله قوه عاقله، چیستی خود و کیستی خود را می‌شناسد؛ با استفاده از عقل، کلیات ادیان الهی و برنامه‌های بشری را می‌شناسد و کلیات و اصول بهترین دین را نسبت به دیگر برنامه‌ها، تشخیص می‌دهد و سپس تابع و همراه برنامه‌های متعالی می‌شود. در واقع انسان، ماهیت و هویت خود (چیستی و کیستی خود) را به کمک عقل می‌شناسد؛ سپس با پیمودن مسیر دین، هویت خود را تکمیل می‌کند و به اهدافی که می‌تواند و به صلاح اوست، می‌رسد.

۲-۳-۳ نقش عقل و علم در بازیابی هویت: انسان با استفاده از «عقل»، به حقیقت بندگی و پاداش اخروی می‌رسد و این نکته را با عقل درک می‌کند که حقیقت وجودی و کیستی او، به بندگی خالق او وابسته است. عقل هم دو نوع دارد: عقل نظری و عملی، که با عقل نظری مفاهیم و مقولات را درک می‌کند و با عقل عملی این دانسته‌ها به کار برده می‌شود (Soroush, 2015). از مهم‌ترین کارکردهای عقل برای انسان، کمک به خود شناسی اوست. اگر فردی به نفس خود معرفت نداشته باشد به گمراهی و سردرگمی می‌رسد (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷)؛ و به عبارتی دچار «بحران هویت» می‌شود.

رسیدن به این شناخت علاوه بر عقل به همراهی «علم» نیز نیاز دارد. منظور از علم در اینجا علم برتری است که

بتواند انسان را در مسیر حق و صحیح قرار دهد و در شناخت خلقت، هدف خلقت، حقیقت، سعادت و شقاوت و راه‌های رسیدن به سعادت، یاریگر او باشد (al-Irbili, 1961).

۳- اهمیت کرامت: یکی از محورهای مهم تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به کرامت انسان است؛ زیرا انسانی که از کرامت وجود خویش آگاه باشد، انجام رفتارهای ناپسند را دوشن انسان می‌داند و از آن‌ها اجتناب می‌ورزد. نظام تربیتی اسلام می‌کوشد با ارائه آموزه‌های مختلف، انسانی با کرامت و عزتمند تربیت کند (Liaqtdar, 2007). دو دیدگاه درباره کرامت انسان در اسلام وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد:

۱-۳- کرامت ذاتی: در آموزه‌های اسلامی، نوع انسان دارای کرامت ذاتی است و دلیل این کرامت ذاتی، فضیلت نسبت به سایر مخلوقات و برخوردار بودن از قوه تفکر و تعقل است (اسراء: آیه ۷۰؛ Tabatabaei, 1972; Ibn Ashur, 1999). این کرامت ذاتی تا زمانی پایدار است که خلق و خوی انسانی در فرد از بین نرفته باشد (Mesbah Yazdi, 2001).

۲-۳- کرامت اکتسابی: علاوه بر کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی نیز وجود دارد که از انسان با اعمال و رفتار خود و تقوا پدیدار می‌شود. در دیدگاه اسلامی معیار در کسب این نوع کرامت، «تقوا» است هرچه میزان تقوا بیشتر باشد انسان از کرامت بیشتری نزد خداوند برخوردار است (حجرات: ۱۳).

۴- بررسی دیدگاه فوکویاما با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی

مسئله عدم اصول مشترک مستحکم، غرب را به نظام تربیتی صرفاً قانون‌گرا و تمرکز یک‌جانبه بر ابزارمحوری قانون سوق داده است؛ بدون اینکه استفاده لازم را از اخلاقیات و اصول مشترک اعتقادی داشته باشد و مشخص است که ابزار به‌تنهایی قادر به مدیریت صحیح جامعه نیست. درحالی‌که کرامت حقیقی و هویت جمعی سازنده، بدون توجه به معنای واقعی اصول، عقاید و اخلاقیات و اشتراک فراگیر در آن‌ها، شکل نمی‌گیرد. تضاد شعار آزادی در غرب با شعار اهتمام فرد به اصلاح جامعه و حکومت هم برخاسته از همین تعریف ناصحیح هویت غیردینی است. آزادی به معنای در قید نبودن، که مورد تبلیغ غرب در سیاست جهانی‌سازی است، با حاکمیت قانون در جوامع مختلف هم‌خوانی ندارد.

راهکار فوکویاما برای حل مشکلات مرتبط با مسئله کرامت و هویت، تقویت هویت ملی با تکیه بر اصول لیبرال دموکراسی است. به نظر نمی‌رسد این راهکار رافع مسائل و مشکلات موردنظر فوکویاما در غرب باشد؛ زیرا تناقض آشکاری در آن مشهود است.

لیبرال دموکراسی خود از عوامل ایجاد بحران بوده و در عین اینکه بحران‌زاست، در مسائل مطرح‌شده، بحران‌زدا نیست.

راهکار فوکویاما، برای بحران هویت و کرامت، گردآمدن حول قوانین لیبرال دموکراسی و یک پرچم و ملیت واحد و استفاده از حق رأی و آزادی‌های فردی است.

به نظر می‌رسد مشکل فردی که به دلیل عدم شناخت صحیح از وجود خود و درک نادرست از مسیر سیری که در زندگی باید طی کند، دچار بحران هویت شده و به پوچی رسیده و در رابطه با زندگی خود ابهام و سردرگمی دارد، با قرار گرفتن ذیل پرچم ملی حل نمی‌شود.

راهکار وحدت ذیل پرچم ملی، برای کشوری مثل آمریکا، حتی به‌عنوان راهکار کوتاه‌مدت نیز نمی‌تواند مطرح باشد؛ زیرا هویت ملی، تحت لوای آرمان مشترک و پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک یک ملت، شکل می‌گیرد (Najafi, 2021). آمریکا که سرزمینی بازستانده شده از بومیان است، با انبوه مهاجران چندملیتی، فاقد چنین مشخصه‌ای است. از سویی، پیشنهادهای ادغام مهاجران در جوامع اروپایی و آمریکایی و استحاله فرهنگی آن‌ها نیز ضد اصول لیبرال دموکراسی است، که آزادی‌های فردی را ارج می‌نهد؛ زیرا این سیاست می‌تواند با خواست درونی بسیاری از ساکنان اصلی آمریکا همسو نباشد.

فوکویاما، نظرات درستی درباره بحران هویت ارائه می‌دهد. غفلت از حقیقت وجودی انسان با بحران هویت، ملازمه طبیعی دارد. در مکاتب غربی، نظام‌های تربیتی، نهادهای آموزشی، محتوای درسی، روش تدریس و سایر مؤلفه‌های

مرتبط با تعلیم و تعلم، بر مبنای دیدگاه مادی به انسان، ترسیم شده‌اند و هدف نهایی آن‌ها تربیت انسان برای زندگی در دنیای مادی است؛ حال آنکه نمی‌توان از بعد غیرمادی انسان چشم‌پوشی کرد. اگر فردی در تمام ابعاد مادی به رشد برسد؛ اما از توجه به روح خود غافل باشد، قطعاً به امراض روحی و بحران‌های شخصیتی از جمله، بحران هویت مبتلا خواهد شد و برای گریز از این موقعیت و هویت‌یابی محتمل است که دست به اقدامات خطرناکی مانند عضویت در گروه‌ها و فرقه‌ها بزند و یا حتی به خودکشی برسد.

از دیگر معضلات این نظام‌های تربیتی، تأکید فراوان بر فردیت است. رشد فردیت با گسستن از پیوندهای اجتماعی مانند پیوندهای خانوادگی، رابطه مستقیم دارد. امروزه در غرب، خانواده یا وجود ندارد یا در صورت وجود داشتن، دچار زوال معنا شده و کارکردهای اصلی خود را از دست داده است. علاوه بر این، افراد به‌عنوان عضوی از اجتماع، نسبت به جامعه خویش نیز تعلق خاطر ندارند. این تعلیق روانی، خدشه‌دار شدن هویت فردی و اجتماعی را به دنبال دارد. از نظر امیل دورکیم، فردگرایی ضد اخلاقی و افراطی، از معضلات اساسی دوران مدرنیته است. وی معتقد است یکی از علل اصلی خودکشی، گسست فرد از جامعه و عدم حمایت از سوی هسته‌های اجتماعی است (Naseri, Ahmadian, 2017). در مقابل، نظام تعلیم و تربیت اسلامی، با ترسیم نقشه راه صحیح و تعیین اهداف متناسب با ساختار هستی و انسان، از چنین آسیب‌هایی به دور است. انسان پرورش‌یافته در این مکتب هیچ‌گاه احساس بی‌هویتی یا طرد شدگی ندارد؛ زیرا اولاً، تمام وجود خود را وابسته به وجود خداوند می‌داند، بنابراین می‌داند که در این دنیا تنها به حال خود رها نشده است؛ ثانیاً، بنا بر آموزه‌های قرآن و حدیث، از سرشت خویش به‌خوبی آگاه است و نسبت به حقیقت روحانی خود غفلت نمی‌ورزد، همچنین مبدأ و معاد خود را می‌شناسد و نگرانی و اضطرابی بابت مرگ و پایان حیات دنیوی ندارد؛ ثالثاً، به این دلیل که مطابق آموزه‌های دینی رفتار می‌کند از اهمیت خانواده و نیز مسئولیت خود نسبت به خانواده، اجتماع و نیاز سایر افراد آگاه است و رفتارهای انسانی پسندیده‌ای مانند ایثار، تعاون و دستگیری از دیگران را انجام می‌دهد. انجام این رفتارها پیش از دیگران، بر فرد عامل مؤثر است و حس تعلق خاطر به یک جمع و گروه و نیز حس رشدیافتگی را به وی القا می‌کند. برآیند این موارد، هویت یکپارچه و مستحکم را برای فرد به ارمغان می‌آورد.

اعتقاد به اصول دینی و التزام عملی به مناسک اسلامی، به‌ویژه در دوران نوجوانی، نقش مهمی در پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های روانی مانند اضطراب، افسردگی و اختلال سلوک دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، نوجوان با استفاده از باورهای دینی می‌تواند به تصویر روشنی از جهان و جایگاه خود دست یابد و در نتیجه از ابتلا به بحران‌های روحی و به‌تبع آن از انجام رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر و آسیب رساندن به خود یا دیگران مصون بماند (Marashian, Safarzadeh, 2016).

درباره کرامت انسانی هم‌نظر فوکویاما صحیح است که احساس کرامت برای انسان‌ها بسیار مهم است تا حدی که می‌تواند به تشکیل جنبش‌ها و تأثیر در سیاست و اجتماع منجر شود؛ اما تلقی او از کرامت، با آنچه در اسلام وجود دارد متفاوت است.

نتیجه‌گیری

بین رویکرد اسلامی با دیدگاه فوکویاما در هویت و کرامت، می‌توان به این نکته به‌عنوان شباهت اشاره کرد که در هر دو نگاه، مسئله هویت و کرامت بشری، مهم است؛ اما تفاوت‌های اساسی نیز دارند از جمله: رویکرد فوکویاما درباره هویت و کرامت، رویکردی اتمیستی و برآمده از تعاریف انسان در قالب مدرنیته است که در آن، خود فرد با اهمیت در نظر گرفته می‌شود و تلقی که از هویت انسان وجود دارد، وجه تمایز هر فرد با فرد دیگر از نوع انسان است. وی باور دارد که این تمایزات عرضی، مهم هستند و کرامت انسان هم در گرو به رسمیت شناختن آن‌هاست؛ اما رویکرد نظام تعلیم و تربیت اسلامی به هویت و کرامت، رویکردی الهی و مبتنی بر اصالت بخشی به حقیقت وجودی انسان، فارغ از اعراض، است و این حقیقت ذاتی انسان است که اهمیت بیشتری را نسبت به اعراض و مادیات دارد. همچنین، اهمیت به رشد عقل و علم، تدوین برنامه‌های تربیتی بر مبنای خداشناسی، معادشناسی و انسان‌شناسی صحیح در نظام تعلیم و تربیت

اسلامی، سبب می‌شود انسان، هویت اصیل خویش را بازیابد؛ در این صورت مشکل بحران هویت نخواهد داشت. علاوه بر اینکه، هویت فردی بازیابی می‌شود، قرار گرفتن افراد، ذیل عنوان بندگی خداوند، احساس تعلق به یک هویت بزرگ، جمعی و اصیل را برای انسان، در پرتو اصالت روح و توجه به ساحت معنوی فراهم می‌آورد.

فوکویاما به برابری طلبی و برتری‌طلبی افراد جامعه اشاره می‌کند؛ اما راه‌حل مشخصی را ارائه نمی‌دهد. در جامعه دینی این مسئله حل شده است؛ زیرا افراد به دلیل آگاهی نسبت به کرامت ذاتی که دارند به‌طور برابر، به رسمیت شناخته می‌شوند و افراد شایسته‌ای که معیار تقوا را دارند از کرامتی افزون‌تر برخوردار خواهند شد.

برخلاف رویکرد اسلامی، راه‌کارهای فوکویاما، در بهترین حالت، راهکارهایی موقتی هستند چون تناسب چندانی با ریشه و اساس مسئله ندارند.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر*. چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*. تبریز: بنی‌هاشمی.
ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
حاجی ناصری سعید؛ و احمدیان سجاد (۱۳۹۶). *ناخشنودی‌های مدرنیته از دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک، فصلنامه سیاست*. ۴۷(۴)، ۸۷۳-۸۹۰.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۷). *شرح فارسی الاسفار الاربعه؛ مصحح: محمدحسین نائیجی*. قم: بوستان کتاب.
خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱). *تقریرات فلسفه امام خمینی* (۶). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۶).
دلبری، سیدعلی؛ و عارفی، محمد اسحاق (۱۳۹۴). *تحلیلی بر حقیقت انسان از رهگذر آیات و روایات؛ کتاب قیام*، ۷(۱۶)، ۹۲-۱۱۰.
ریاحی نوری امیر؛ و سلامی علی (۱۳۹۹). *از نظریه پایان تاریخ فوکویاما تا پیدایش نارویداد بودریار*. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۴(۱)، ۱۲۷-۱۴۰.
- سجادی، جعفر (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
سروش، جمال (۱۳۹۴). *نقش عقل عملی در کمال انسان*. *حکمت اسلامی*، ۲(۱)، ۶۵-۸۶.
شولتز، دوان پی؛ و شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۹). *نظریه‌های شخصیت؛ مترجم: یحیی سید محمدی*. تهران: ویرایش.
صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۱). *شرح بر زادالمسافر؛ مترجم: جلال الدین آشتیانی*. قم: بوستان کتاب.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *العین؛ تصحیح: مهدی المخزومی؛ ابراهیم سامرایی*. چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره.
فروردین، عزیزه (۱۳۸۳). *زیبایی‌شناسی هنری در داستان‌های قرآن*. چاپ اول، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
فراهیدیان، رضا (۱۳۹۰). *مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث*. چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب.
فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸). *هویت: سیاست هویت و مبارزه برای به رسمیت شناخته‌شدن؛ مترجم: رحمان قهرمان پور*. تهران: روزبه.
کرمانی نسب، محمد علی (۱۳۹۸). *دکترین پایان تاریخ در اندیشه نظام سلطه و مکتب اسلام ناب؛ معرفت*، ۲۸(۲۶۱)، ۴۵-۵۶.
لیاقتدار، محمدجواد (۱۳۸۶). *تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع)*. چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف.
متوسلی، محمود؛ طیب نیا، علی؛ و حسنی، محسن (۱۳۹۰). *سرمایه اجتماعی از دید رویکرد منفی فوکویاما در ایران، فرابند مدیریت و توسعه*، ۲۴(۷۵)، ۵-۲۴.
- مرعشیان فاطمه سادات؛ و صفرزاده سحر (۱۳۹۶). *رابطه التزام عملی به اعتقادات اسلامی و جو عاطفی خانواده با بحران هویت در دانشجویان دختر*. *زن و فرهنگ*، ۹(۳۴)، ۸۱-۹۴.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰). *نظریه حقوقی در اسلام*. قم: مؤسسه امام خمینی (۶).
مصلح، جواد (۱۳۸۳). *ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه*. تهران: سروش.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان*. چاپ هجدهم، قم: نسل جوان.
مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مهاجر شیخی امین؛ و دبیری مهر، امیر (۱۳۹۷). *بررسی آرای انتقادی به نظریه «پایان تاریخ» فرانسیس فوکویاما، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۹(۳۵)، ۳۵۱-۳۸۹.
- نجفی، موسی (۱۴۰۰). *هویت‌شناسی: پیرامون نظریه هویت ملی و بازتاب آن در فرهنگ، تاریخ و سیاست*. اصفهان: آرما.

هادوی، حسین (۱۳۸۶). بررسی نظریه چارلز تیلور پیرامون مسئله هویت و گوناگونی فرهنگ در عصر مدرن، علوم سیاسی، ۴ (۶)، ۱۳۳-۱۴۸.

References

- Holy Quran
Nahjul-Balagha
Al-Azhari, M. (2000). Tahdhib Al Lughah. Beirut: Dar Ehiya al-Traath al-Arabi.
Al-Farahidi, KH. (1989). al- 'Ayn, Qom: Dar al-Hijra.
Al-Irbilī, A. (1961). Kashf al-ghumma fi ma'rifat al-a'imma. Tabriz: Bani Hashemi.
Castel-Bouchouch, A (2014). «Plato and the Causes of Excess»; Homo Oeconomicus; 31(4), 463-478.
Castel-Bouchouch, A (2014). «Plato and the Causes of Excess»; Homo Oeconomicus; 31(4), 463-478.
Delbari, A & Arafı, M. (2015). An analysis of human truth through verses and traditions. Ketabe-Qayyem, 7(16), 92-110 .
Farhadian, R. (2011). The basics of education in the Quran and hadiths. Qom: Bostan Kitab. [In Persian]
Farvardin, A. (2004). Artistic aesthetics in Quranic stories, Radio and Television Islamic Research Center. [In Persian]
Fukuyama, F. (2018). Identity: The Demand for Dignity and the Politics of Resentment. Tehran: Rouzbeh. [In Persian]
Hadavi, H. (2007). Examining Charles Taylor's theory about the issue of identity and diversity of culture in the modern era. political science, 4(6), 133-148.
Haji Naseri, S & Ahmadian, S (2017). Discontents of modernity from the point of view of classical sociologists, Politics Quarterly, 47(4), 873-890.
Hasanzadeh Amoli, H. (2017). The Persian description of Al-Asfar al-Arbaeh. Qom: Bostan Kitab. [In Persian]
Ibn Ashur, M. (1999). al-Tahrir wa'l-Tanwir. Beirut: Al-Tarikh al-Arabi Institute.
Kermani Nasab, M (2019). The doctrine of the end of history in the thought of the domination system and the ideology of pure Islam, Knowledge, 28(268), 45-56.
Khomeini, R. (2002). Presentations of philosophy. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Persian]
Lennerfors, Th (2015). Eros, thymos, logos - a study of the spirit of entrepreneurship and innovation at Stena; Gothenburg: Bokförlaget BAS publishing.
Lennerfors, Th (2015). Eros, thymos, logos - a study of the spirit of entrepreneurship and innovation at Stena; Gothenburg: Bokförlaget BAS publishing.
Liaqtdar, M. (2007). Education from Imam Sajjad's point of view. Qom: nashremaaref. [In Persian]
Makarem Shirazi, N & a group of authors. (2001). Tafsir Nemooneh, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]
Makarem Shirazi, N. (2007). Fifty lessons of the principles of belief for young people, Qom: naslejavan. [In Persian]
Marashian, F & Safarzadeh, S (2016). The relationship between practical adherence to Islamic beliefs and family emotional atmosphere with identity crisis in female students, Cultural psychology of women, 9(34), 81-94.
Mesbah Yazdi, M. (2001). Legal theory in Islam. Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
Mohajer Sheikhi, A & Dabiri Mehr, A (2018). Analysis of critical opinions on Francis Fukuyama's theory of the end of history, Quarterly Journal of Political and International Studies, 9(35), 351-389
Mosleh, J. (2004). Translation and Tafsir of al-Shawahid al-Rubabiyah. Tehran: Soroush. [In Persian]
Motevasel, M, Tayebnia, A & Hasani, M (2011). Social capital from the perspective of Fukuyama's negative approach in Iran, Management and Development Process, 24(75), 5-24.
Najafi, M (2021). Identology: around the theory of national identity and its reflection in culture, history and politics. Isfahan: Arma. [In Persian]
Riahi Nouri, A & Salami, A (2020). From Fukumaya's theory of the end of history to Baudrillard's emergence, Journal of Foreign Policy, 34(1), 127-140.
Sadr al-Din al-Shirazi, M. (2002). Description of Zad al-Musafir, Qom: Bostan Kitab. [In Persian]

- Sajjadi, J. (2000). Mulla Sadra's dictionary of philosophical terms. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Schultz, D & Schultz, S. (2020). Theories of Personality. Tehran: virayesh. [In Persian]
- Soroush, J. (2015). The role of practical reason in human perfection. *hekmateislami*, 2(1), 65-86.
- Tabatabaei, M. (1972). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Aalami.